



روزانه
علوم سانی



به میزبانی موسسه گفتگوی ادیان

جان هیک

در حلقه

دین پژوهان ایرانی

جان هیک بی تردید از تاثیرگذارترین و برجسته ترین فیلسوفان دین در جهان معاصر به شمار می آید. وی با تاثیرپذیری از اندیشه های فلسفی کانت تلاش دارد از طریق ایده کثرت گرایی دینی، مبنایی برای گفت وگو و همزیستی ادیان پی ریزی کند.

هیک در ۱۹۲۲ در یورکشایر انگلستان زاده شد و نخستین آموزش های دینی را در حلقه کشیشان پرسبیتی فراگرفت. اگرچه آن گونه که خود وی نقل می کند در آغاز زندگی اش به رهیافتی مطلق گرا از مسیحیت گرایش داشت، اما اقامت در "کسفورد"، ذهنیت وی را تغییر داد. در این هنگام جنگ دوم جهانی در گرفته بود و هیک که به واسطه جنگ، درس و بحث را رها کرده بود، به جرگه معترضان این فاجعه پیوست. او در سال ۱۹۵۳ میلادی رسماً به کسوت کشیشان پرسبیتی درآمد. سپس به سمت استادی در امریکا منصوب شد؛ نخست در دانشگاه "کورنل" و سپس در مدرسه "پرینستون". در همین مدرسه بود که اندیشه های کثرت گرایی دینی و الهیات آزادمنشانه وی موجی از مناقشه ها و بحثها را برانگیخت.

هیک مدت پانزده سال کرسی فلسفه دین در دانشگاه "بیرمنگام" انگلیس را در دست داشت. او در این زمان چه به لحاظ دانشگاهی و چه از نظر ارتباطات محلی و اجتماعی تاثیر بسزایی بر پیرامون خود گذاشت. وی تاکنون سخنرانی های زیادی در سطح جهان انجام داده و کتابها و مقالات بی شماری در باب فلسفه دین، کثرت گرایی دینی، معنای حیات، گفت وگویی ادیان، اخلاق جهانی، رهایی و رستگاری و... نگاشته است.

جان هیک به نثری روان، روشن و در عین حال استوار می نویسد. او هم اینک عضو "موسسه پژوهش های پیشرفته در هنر و علوم اجتماعی" در دانشگاه بیرمنگام است.

وی به دعوت موسسه گفت وگویی ادیان طی روزهای ۳، ۴ و ۵ اسفند ۸۳ با سفر به ایران، در محافل دانشگاهی و در جمع دین پژوهان کشور حضور یافت. اخبار ادیان به بهانه سفر این نظریه پرداز کثرت گرایی دینی به ایران مطالبی از وی به دست چاپ می سپارد. ترجمه مقاله ای از او به همراه گزارشی از یکی از آخرین مقالات وی به انضمام پاسخ های کوتاه این دین پژوه بزرگ به برخی پرسش های اخبار ادیان تقدیم جامعه دین پژوهان ایرانی می شود.



چرا و چگونه به پلورالیزم رسیدیم؟

گفت و گویی کوتاه با جان هیک، نظریه پرداز کثرت گرایی دینی

عالمان و متفکران دینی همیشه خط ثابتی را در حوزه پژوهش های علمی خود دنبال نکرده اند. شخصیت علمی آنها را می توان به متقدم و متاخر تقسیم کرد. برای مثال، زندگی علمی ویتگنشتاین را به ویتگنشتاین متقدم و متاخر تقسیم می کنند. آیا می توان گفت که شما نیز دوره های علمی مختلف داشته اید؟ مهم ترین ویژگی هر دوره را چه می دانید؟
بله، همان طور که تعدادی از نویسندگان ذکر کرده اند. تفکرم به دو دوره تقسیم می شود. تغییر فکری من زمانی رخ داد که من در سال ۱۹۶۷ برای تدریس به شهر چنددینی بیرمنگهام آمدم. پیش از آن اساسا موضوعات سنتی در فلسفه دین - معرفت شناسی دین، از جمله ماهیت ایمان، دلایل وجود خدا، مسئله شر، مرگ و حیات ابدی، علم و دین و مانند آن - دل مشغولی ام بود. پس از آنکه اول بار مسلمانان، سیک ها، هندوها، و یهودیانی را در بیرمنگهام دیدم، که در اقلیت و روابط نژادی کار می کردند، از فرصت های مطالعاتی استفاده کردم و زمانی را در هند و سریلانکا که عمدتا بودایی هستند، گذراندم، و بعدها نیز وقتی که در آمریکا تدریس می کردم با این ادیان آشنا شدم. همه اینها مرا به موضوعاتی در رابطه با ادیان بزرگ جهان علاقمند کرد. من همچنان به موضوعات سنتی فلسفه دین علاقه دارم، اما افق فکری ام به نحو چشمگیری در تماس با مردم و آثار دیگر ادیان وسعت یافته است.

هیچ متفکری بدون پشتوانه علمی نیست و شما نیز بی شک از این قاعده مستثنی نیستید. از میان عالمان، چه کسی بیشترین تاثیر را بر شما گذاشته است؟

بله، کانت تاثیر اصلی را بر تفکر فلسفی ام گذاشته است؛ اگرچه هنگامی که در دانشگاه کورنل تدریس می کردم، که مرکز مطالعات ویتگنشتاینی در آمریکا بود، عمیقا به مطالعه افکار ویتگنشتاین پرداختم. خود ویتگنشتاین اواخر دیداری از این دانشگاه داشت و ماکس بلاک و نورمن مالکولم، از دانشجویان ویتگنشتاین در آن دانشگاه بودند. و در تفکر اجتماعی مهاتما گاندی بیشترین تاثیر را بر من گذاشته است.

آیا کثرت گرایی دینی شما نظریه ای است که نتیجه تحقیقات علمی و اندیشه های فلسفی است؟ یا آنکه آشنایی با ادیان شما را به این نظریه کشاند؟

این آشنایی با دیگر ادیان بود که سبب پرسش هایی شده و تفکر فلسفی مرا به پاسخ های پیشنهادی رساند و آنگاه این پاسخ ها در ایمان مسیحی ام بازتاب یافت، و مرا به بازاندیشی در آنها سوق داد.

اسلام قرآنت واحد ندارد و البته همه قرآنت های از اسلام با نظریه کثرت گرایی دینی سازگار نیست. کدام یک از قرآنت های دینی را سازگار با نظریه خود یافته اید و از طریق چه عالمان و آثاری با آن قرآنت آشنا شده اید؟

عمدتا در میان صوفیانی چون رومی و ابن عربی بود که آشکارا پلورالیزم دینی را یافتم. رومی در رابطه با ادیان می گوید:

ده چراغ از حاضر آری در مکان هر یکی باشد به صورت غیر آن
فرق نتوان کرد نور هر یکی چون به نورش روی آری بی شک
و این ابیات معتبری درباره کثرت گرایی دینی است.

